

تحلیل بنمایه‌های سبکی اشعار گل محمد خان زیب مگسی

مجیب‌الرحمن دهانی، عباس نیکبخت*، عبدالله واثق عباسی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

سال هفدهم، شماره ششم، شهریور ۱۴۰۳، شماره پی در پی ۱۰۰، صص ۶۵-۴۱

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.7456>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: گل محمد خان زیب مگسی از شاعران توانمند بلوچ است که اشعاری نغز به زبان فارسی سروده است. در این پژوهش سبک اشعار وی از جهت زبانی، ادبی و موسیقایی و فکری بررسی شده است.

روشها: پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی بر پایه منابع کتابخانه‌ای انجام شده و جامعه آماری آن شامل دو کتاب زیب نامه و خرینه الاشعارگل محمد خان زیب مگسی است.

یافته‌ها: شعر وی از نظر زبانی ساده است و از نظر لغوی ۵۶ درصد از واژگان اشعارش به زبان فارسی است و گویش خاص بلوچی هم در کاربرد برخی کلمات دیده می‌شود. برخی اشعار وی دارای زبان حماسی و همچنین واژه‌های عرفانی و قلندری است. از دیدگاه موسیقایی شاعر در اغلب بحور طبع آزمایی و بحرهای تازه‌ای نیز ابداع کرده است از این رو تنوع اوزان عروضی در شعر وی فراوان است. از نظر موسیقی کناری نیز حدود ۳۷ درصد از غزل‌های وی دارای ردیف است و اغلب از ردیف‌های تکراری استفاده کرده است. وفور آرایه‌های بیانی تشبیه و استعاره از منظر ادبی بسیار است به گونه‌ای که ۶۵ درصد از تشبیهات او حسی هستند و در مقایسه انواع تشبیه بیشترین بسامد از آن تشبیه بلیغ و کمترین بسامد را در تشبیه کامل می‌بینیم. همچنین استعاره مکنیه بسامد بیشتری از مصرحه دارد. آرایه‌های بدیعی مانند تلمیح، تضاد، مراعات النظیر، جناس، واج آرایی و انواع تکرار نیز در شعرش پر بسامد است. در مقایسه انواع تکرار، بسامد تکرار کلمه حدود ۵۵ درصد است که بسامد بالایی به شمار می‌رود. از نظر فکری شعر وی بیشتر جنبه معنوی و عرفانی و عاشقانه دارد و مولفه‌های اندرزگونه و عناصر اجتماعی نیز از عناصر محتوایی شعر اوست در نگاهی کلی وی دارای نوآوری‌های ساختاری بسیار است و از نظر فکری تحت تاثیر شعر عرفانی و قلندری و عاشقانه شعرای پیشین است.

نتیجه گیری: شعر گل محمد خان زیب مگسی در عین سادگی، سرشار از کاربرد‌های هنرمندانه صنایع ادبی است و نکته نوآورانه آن در کاربرد اوزان مختلف و ابداع بحور تازه است که همگی در خدمت بیان مضامین عاشقانه، عرفانی و تعلیمی قرار دارد.

تاریخ دریافت: ۰۵ مهر ۱۴۰۲

تاریخ داوری: ۰۶ آبان ۱۴۰۲

تاریخ اصلاح: ۲۱ آبان ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۰۷ دی ۱۴۰۲

کلمات کلیدی:

زیب مگسی، سبک‌شناسی، موسیقی، محتوا، بنمایه.

* نویسنده مسئول:

nikbakt@lih.usb.ac.ir

☎ ۳۱۱۳۲۰۰۰ (+۹۸ ۵۴)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Analysis of the stylistic features of Gul Mohammad Khan Zeib Magasi's poems

M. al-Rahman Dehani, A. Nikbakht*, A. Vasegh Abbasi

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 27 September 2023

Reviewed: 28 October 2023

Revised: 12 November 2023

Accepted: 28 December 2023

KEYWORDS

Zaib Magasi, stylistics, music, content, Benmayeh.

*Corresponding Author

✉ nikbakht@lih.usb.ac.ir

☎ (+98 54) 31132000

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Gul Mohammad Khan Zeib Magasi is one of the powerful Baloch poets who wrote beautiful poems in Persian language. In this research, the style of his poems has been examined in terms of language, literature, music and thought.

METHODOLOGY: Ethods: The present research was carried out using a descriptive-analytical method based on library sources, and its statistical population includes two books, Zeib Namah and Kharineh al-Ashaargol, Mohammad Khan Zeib Magasi.

FINDINGS: His poetry is simple in terms of language and in terms of vocabulary, 56% of the words in his poems are in Persian language, and the special dialect of Balochi can be seen in the use of some words. Some of his poems have epic language as well as mystic and Qalandari words. From a musical point of view, the poet has often experimented and invented new tunes, so there is a wide variety of prosody weights in his poetry. In terms of side music, about 37% of his sonnets have lines and he often uses repeated lines. The abundance of expressive arrays of similes and metaphors from a literary point of view is so great that 65% of his similes are sensory, and comparing the types of similes, we see the highest frequency of that simile and the lowest frequency of complete simile. Also, the metaphor of Makaniyyah has a higher frequency than that of Masraha. Innovative arrays such as hint, contrast, similitude, pun, phonetic arrangement and repetition are also frequent in his poetry. Comparing the types of repetition, the frequency of word repetition is about 55%, which is considered a high frequency. From the intellectual point of view, his poetry is mostly spiritual, mystical and romantic, and instructive components and social elements are also among the content elements of his poetry. In his overall view, he has many structural innovations, and intellectually, he is influenced by the mystical, Qalandari and romantic poetry of previous poets.

CONCLUSION: Conclusion: Gul Mohammad Khan Zeib Magasi's poetry, while simple, is full of artistic uses of literary arts, and its innovative point is in the use of different weights and the invention of fresh bahor, all of which serve to express romantic, mystical and educational themes.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.7456>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 19	 1	 6

مقدمه

نواب میر گل محمد خان مگسی (۱۹۵۳م-۱۸۸۳) متخلص به «زیب» فرزند سردار قیصر خان مگسی حاکم جهل مگسی بود. او از سرداران بنام جامعه خود و مردی ثروتمند و با نفوذ بود. مگسی اسم قبیله اوست که از قبایل بزرگ بلوچستان پاکستان می باشد و تیره ای از آن را تمندار مینامند. با توجه به این که در پاکستان فعلی هیچ منطقه ای به این نام وجود ندارد به نظر می آید اصل این قبیله از ایران باشد که نام بخشی از بلوچستان ایران در مهرستان است. (مصاحب، ۱۳۸۳: ج ۲: ذیل مگس) او علاوه بر طبع روان و سخن سرایی به زبانهای عربی، اردو، هندی، سندی و پنجابی و سرائیکی تسلط داشت (عباس، ۱۹۹۹: ص ۴۱) از وی دو دیوان به نامهای زیب نامه و خزینه الاشعار چاپ شده و دیوان ارمغان عاشقان وی تاکنون تصحیح و چاپ نشده است (کوثر، ۱۹۶۸، ص ۱۶۰) زیب مگسی در سیزدهم رمضان سال ۱۳۰۱ ه. ق (۱۸۸۳ - ۱۸۸۴ م به دنیا آمده است (بیگدلی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۵) انعام الحق کوثر و محمد ریاض سال تولد زیب را ۱۸۸۳ م نوشته اند، (نوشه، ۱۳۷۵، ص ۱۶۰) در دانشنامه ادب فارسی نیز سال تولد زیب ۱۸۸۳ م درج گردیده است (همان بخش دوم، ص ۱۳۲۹) وی دارای بیش از سی هزار بیت شعر است و در میان مردم بلوچستان لقب ملک الشعرا را دارد زیب مگسی در یک خانواده عالم و ثروتمند به دنیا آمد و در محیطی رشد کرد که محیط سرداری - قبیله ای بود بنابراین او در پیچ و خم سیاست قبایلی، قدرت و حکمرانی تربیت شد. پدرش نواب، قیصر خان رئیس مردم منطقه و صاحب بصیرت و فکری عمیق بود و علاوه بر تعلیم آداب و رسوم قبیله ای برای آموزش و پرورش فرزندان خود، استادانی را از دور و نزدیک فرا میخواند. شهرت زیب مگسی در زمان حیات وی به خارج از بلوچستان نیز رسیده بود. اشعار وی در لکنه محل چاپ دو اثر زیب به نامهای پنج گلدسته (۱۹۲۱) و خزینه الاشعار (۱۹۳۶) در چاپخانه نولکشور بین شعرا و در محافل ادبی بر سر زبانها بود یکی از شاعران فارسی گوی معاصر وی، سید محمد علی امید میگوید:

صد گل معنی ز فیض گل محمد خان زیب در شکفت و بردمید از گل زمین معنوی
رنگ اشعارش دهد از بلبل و آمل، نشان طرز گفتارش به یادم داد طرز، مولوی
(زیب مگسی، ۱۹۹۵ م، ص ۳۵۲)

زیب مگسی دارای سبک نوآورانه ای است که تا به حال در میان شاعران پارسیگوی دیده نشده است. کتاب خزینه الاشعار وی تماماً شامل مخمساتی است که در آنها غزل کاملی از شاعران پارسیگوی تضمین شده است. بنابراین وی به هر سه سبک خراسانی، عراقی و هندی شعر سروده است. شرافت عباس استاد بازنشسته دانشگاه بلوچستان کوپته در مقدمه ای که بر زیب نامه نوشته است او را موجد سبکی خاص میداند که به نظر وی باید آن سبک را «زیبا» نامید. (زیب مگسی، ۱۹۹۶، ص ۳۷) او همچنین با اشاره به این که غزلیات تضمین شده در مخمسات او نماینده سه سبک هستند معتقد است نمیتوان تشخیص داد شعر وی به کدام سبک تعلق دارد. (همان) در واقع او هر غزلی را تضمین کرده سبک آن شاعر را تقلید کرده است اما در زیب نامه که تماماً اشعار خود اوست نوآوریهای دیگری دارد و در هر بخش از کتاب به نوعی سبک تازه ای ایجاد کرده است.

در این پژوهش سبک شعر این شاعر از جهت زبانی، ادبی، موسیقایی و فکری بررسی میشود و پرسش اصلی این است که ویژگیهای مهم اشعار زیب مگسی در حوزه ساختار و محتوا چیست؟

پرسشهای پژوهش

۱. ویژگیهای زبانی شعر زیب مگسی چیست؟
۲. ویژگیهای برجسته سطح ادبی اشعار زیب مگسی چیست؟

۳. فکر غالب بر اشعار زیب مگسی چیست؟

فرضیات پژوهش

۱. به نظر می‌آید زبان شعر زیب مگسی متمایل به سبک خراسانی و عراقی است.

۲. به نظر می‌آید صنایع بیانی در شعر زیب مگسی بسامد بیشتری دارد؟

۳. احتمالاً محتوای اشعار زیب مگسی بیشتر در حوزه عشق و عرفان است.

پیشینه پژوهش

علی شاه (۱۳۸۹) در مقاله بازتاب غدیر خم در قصاید زیب مگسی، به بررسی بازتاب این واقعه در شعر گل محمد خان پرداخته است. بر اساس این مقاله، در دیوان خزینه الجواهر ۵۱ قصیده در شأن امام علی سروده شده است. علی شاه (۱۳۸۳) در مقاله «زیب مگسی سخن سرای برجسته قرن چهاردهم هجری» به معرفی این شاعر و آثار او پرداخته است.

همچنین شجاع زاده (۱۳۹۵) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی عناصر پنجگانه شعری در دیوان گل محمد خان زیب مگسی» عناصر شعری آثار این شاعر را از جهات مختلف بررسی نموده و با نمودارهایی بسامد آنها را نشان داده است. این عناصر عبارتند از: تخیل، عاطفه، موسیقی، زبان و شکل شعر.

روش پژوهش

این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و بر اساس نظریه سبک‌شناسی شمیسا انجام میشود.

بحث

تعریف سبک‌شناسی

سبک از نظر لغوی در معنای گداختن و ریختن زر و نقره است (بهار، ۱۳۴۶، ص ۱۸) و معنایی که امروزه برای آن به کار می‌برند معنای ثانویه و مجازی است که برای طرز خاصی از نظم و نثر به کار میرود و معادل style اروپاییان است (همان) (stylus) در یونانی قدیم به آلتی فلزین یا چوبین یا عاج اطلاق میشده که به وسیله آن در زمانهای قدیم، حروف و کلمات را بر روی الواح مومی نقش میکردند و لی در لاتین متأخر معنی آن گسترش یافت و از آن هنگام تا چندی پیش به معنی ویژگی خاص یک نوشته است از نظر خوبی و بدی آن. به همین دلیل به تعبیراتی مانند سبک خوب یا بد و سبک عالی یا نازل زیاد بر میخوریم. در فارسی هم وقتی میگوییم قلم کسی خوب است به همان معنی لاتین «استیلوس» است (بهار، ۱۳۴۶: مقدمه) سبک نظم و نثر از نظر شکلی و ساختاری و مفهومی معنایی بررسی میشود (دهخدا، ۱۳۷۳ ج ۸ ذیل سبک) از نظر شمیسا، سبک روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله کلمات و انتخاب الفاظ و طرز بیان است وی میتوان گفت سبک تکرار ویژگیهای یک اثر است (شمیسا، ۱۳۸۴، ص ۱۷) زیرا «در سبک‌شناسی بسامد بسیار اهمیت دارد» (همان، ص ۲۹) به بیانی دیگر «سبک یعنی نظم و تحرکی که مردم در اندیشه‌های خود به وجود می‌آورند» (محبوب، ۱۳۴۵، ص ۱۷) بنابراین سبک‌شناسی یعنی «مطالعه زبان و فکر یک اثر برای پیدا کردن سبک آن» (شمیسا، ۱۳۸۴، ص ۲۶۹)

از میان تعریفهای مختلف سبک، تعریف جورج سینتسبری (George Saintsbury) بیش از دیگران قابل پذیرش

است او میگوید «سبک...گزینش و آرایش زبان است همراه با توجه ثانوی به معنایی که قرار است منتقل شود.» (ولک، ۱۳۷۹: ج ۴، ص ۲۳۷) این تعریف به این معناست که سبک تنها شامل ویژگیهای ظاهری و نحوه بیان و آرایش کلامی نیست بلکه چگونگی ظاهر شدن معنا و محتوای سخن نیز مد نظر است. زمانی که از سبک یک اثر صحبت میشود سه مفهوم را میتواند دربر داشته باشد: ۱. سبک دوره ۲. سبک شخصی ۳. سبک ادبی

سبک دوره یعنی سبک کم و بیش مشترکی که در میان گویندگان به دوره رایج است مانند سبک خراسانی که تا حدود قرن پنجم رواج داشته و سبک گویندگان بعدی کم کم تغییر نموده و تبدیل به سبک عراقی شده است. (ر.ک: شمیسا، ۱۳۸۴، ص ۸۹-۸۷) اما سبک شخصی سبک خاص شاعر است که آثار او را از سایرین متمایز میکند. در این گونه آثار علاوه بر مختصات محلی و دوره ای مشترک فکری و زبانی و ادبی، ویژگیهای خاصی هم به چشم میخورد که آن اثر را متفاوت میکند. (همان، ص ۹۴) سبک ادبی نیز مخصوص آثار ادبی در سطح جهانی است (همان، ص ۹۸)

در این مقاله سبک گل محمد خان زیب مگسی از نظر شخصی و ادبی بررسی میشود، زیرا شعر وی التزام به دوره خاصی ندارد و از همه شاعران پیش از خود تاثیر پذیرفته است.

سبک شناسی شعر گل محمد خان زیب مگسی

سبک زبانی

زبان پدیده پیچیده ای است که مطالعه آن را نمیتوان به قلمرو خاصی محدود کرد زیرا دارای جنبه های فراوانی است. زبان از نظر جامعه شناسی، روان شناسی و فلسفه قابل بررسی است به همین دلیل جامعه شناسان آن را مهمترین نهاد اجتماعی میدانند، روان شناسان زبان را از جنبه های رفتار انسانی به حساب میآورند و فیلسوفان نیز اندیشه های خود را به وسیله زبان بیان میکنند (باطنی، ۱۳۸۱، ص ۳-۲) زبان با اندیشه همراه است و نمیتواند از آن جدا باشد در واقع زبان محمل اندیشه است. از این رو انتظار نداریم شعری با ساخت و منطق زبان امروزی اندیشه هزار سال پیش را تداعی کند در واقع «در هر دوره تاریخی اندیشه به نسبت رشد عملکرد زبان حرکت دارد» (فلکی، ۱۳۸۴، ص ۶۶)

مختصات لغوی

زیب مگسی شاعر بلوچ است که این گویش در اشعار وی تا حدودی پیداست اما زبان شعری او ساده و روان است و لغات مغلق و سنگین در آن وجود ندارد. در خزینة الاشعار زیب، سیصد قطعه شعر در قالب مخمس با تضمین غزل شاعران دیگر وجود دارد که به سبک عراقی، خراسانی و هندی سروده شده است که در اینصورت دانستن این امر که این شاعر پیرو کدام سبک بوده مشکل است، زیرا از سبک شاعرانی که شعر آنها را تضمین کرده پیروی کرده است، اما در کتاب زیب نامه که شامل اشعاری در قالبهای مختلف به ویژه غزل است سبک وی آشکار میشود که ما بین عراقی و خراسانی است.

به طور کلی زبان شعر گل محمد خان زیب مگسی در طی مجموعه اشعارش پخته و یکدست است و این جریانی طبیعی برای زبان یک شاعر است. غزلهایش سرشار از ترکیبات اضافه تشبیهی و استعاری و خالی از هرگونه ابهام و پیچیدگی است و پرداختن به مضمون عشق باعث شده زبان غزلهایش نرم و ساده باشد. در اشعار زیب به کلمات

مهیجور و نامأنوس بر نمیخوریم و ترکیبات او هم جز در چند مورد که از لغات و ترکیبات عربی استفاده کرده ترکیباتی عادی و زود فهم است. وی برخلاف برخی شاعران علاقه‌ای به مغلق‌گویی ندارد به طوری که در اشعار او نه تنها به کلمات دیر فهم و زاید بر نمیخوریم بلکه میبینیم که واژگان و حتی جمله بندی او در اوج سادگی است که البته این امر به محتوای اشعارش خدشه‌ای وارد نمیکند. علاوه براین، زیب توانایی فراوانی در دخل و تصرف در واژه‌ها داشته و ترکیب سازی کرده است. بنابراین در مجموع و با توجه به دلایلی که ذکر شد زبان شعر نواب گل محمدخان زیب مگسی زبانی ساده، فصیح و به دور از نارساییهای صوری و معنوی و اغلب تصویری است. در این جا نمونه‌هایی از واژه‌های کاربردی وی را بررسی میکنیم:

الهی رنگ و بوی آشنایی ده بهارم را	به داغ عشق خود کن نقش پیدا لاله زارم را
شکستی خار غم در سینه‌ی من از کف خوبان	همه آغوش گل امید راحت ساز خارم را
به سر کردم بسی در ظلمت شبهای نومیدی	بکن روز مراد آشنایان روزگارم را
منور کن به شمع وصل لیل بخت تاریکم	مبدل کن به خواب عیش سهر انتظارم را

(زیب مگسی، ۱۹۹۵، ص ۱)

این غزل نمونه بارز زبان تصویری و ساده زیب مگسی است؛ تصویرهایی با واژه‌هایی نرم و در عین حال ساده. زیب در این شعر با مهارت خاصی واژه‌ها را در کنار هم چیده است. او بدون اینکه از جملات مبهم و دشوار استفاده کند؛ شعری در اوج زیبایی و لطافت سروده که هر خواننده‌ای از آن لذت میبرد. از همان آغاز تا پایان شعر هیچ استفاده‌ای از لغت نامأنوس نشده است علاوه بر ساختار واژگان و ساختار نحوی آن، این غزل مملو از صنایع بدیعی و بیانی است. این امر به سادگی و تصویری بودن زبان غزل منجر شده و رسایی و محتوای زیادی به آن بخشیده و این خود هنر بزرگی است.

در بررسی کاربرد کلمات عربی و فارسی، بسامد لغات فارسی بیش از عربی است و لغات عربی که وی به کار میبرد از نوع مهجور نیست و در زبان فارسی رایج است:

قمر و بحر:

چرخ چو روی تو ندارد قمری	بحر چو دندانت ندارد گهری
--------------------------	--------------------------

(زیب مگسی، ۱۹۹۵، ص ۵۲)

زهره، ضیا، شعله و شوق:

تا ز خورشید مه و زهره ضیا خواهد بود	شعله شوق به خاکستر ما خواهد بود
-------------------------------------	---------------------------------

(همان، ص ۶۱)

بیع و شرا و سودا، خیال، ملک:

در غم بیع و شرا هستم نه چون سوداگران	در خیال ملک گیری نیستم چون سروران
--------------------------------------	-----------------------------------

(زیب مگسی، ۱۹۹۶، ص ۹)

نمودار ۱. مقایسه بسامد کلمات فارسی و عربی



گویش خاص

این شاعر بلوچ دارای گویش خاصی است که بر اشعارش نیز تاثیر گذاشته است این تاثیر را بیشتر در نگارش یای میانجی میبینیم که به جای «ی» «ئی» آمده است که گویا در این گویش «ی» به اشباع خوانده میشود اما وزن شعر به این روش به هم میریزد و به نظر میآید در تلفظ «ئی» فشرده خوانده میشود:

بندی حلقه‌های خم موی یوسفم	راه بهشت بود ره کوی یوسفم
از یاد کی رود قمر روی یوسفم	پیراهنی که آید از و یوئی یوسفم

ترسم برادران غبورش قبا کنند

(زیب مگسی، ۱۹۹۶، ص ۱۱۲)

عشوه اش صد شعله ریزد عاشقان واله را	رنگ رویش بشکند بازار حسن لاله را
جادوئی چشمش دهد آشفته‌گی بنگاله را	غمزه عاید فریش زاهد صد ساله را

موئی پیشانی کشیده پیش خمار آورد

(همان، ص ۱۴۴)

دل بشوق دلربایان ترک دانانی گزید	در هوانی حسن زیبا از شکیبائی برید
زیب را دار گرامی بکرمهای گران	سونی خسرو نگهی کن بطفیل دگران

کاهل دولت نگهی سوئی گدا نیز کنند

(زیب مگسی، ۱۹۹۶، ص ۱۴۶)

سبک موسیقایی

وزن عروضی

وزن بخشی از ذات شعر است (براهنی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴۵۶) هر قدر موسیقی شعر غنی تر باشد شعر جاندارتر است و شعر زیب مگسی، شاعر گرانقدر بلوچستان پاکستان نیز از این ویژگی برخوردار است. در دیوان حاضر کاربرد اوزان عروضی و تنوع آنها نشان دهنده ی قدرت شاعر در استفاده از امکانات موسیقایی کلام است. از میان ۱۸۵ غزل دیوان وزن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن با زحافات مختلف آن دارای ۸۵ بار بسامد تکرار است. وزن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن با احتساب ازاحیف مختلف ۵۶ بار مورد استفاده قرار گرفته و وزنه‌های مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فعلن و مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن با زحافات، مختلف به ترتیب هر یک ۱۵ و ۱۶ بار فرکانس تکرار داشته است.

علاوه بر این بعضی وزنها دارای کاربرد کمتری است و چنین به نظر میرسد که این اوزان از ابداعات خود شاعر باشد مانند فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن مستفعّلن مستفعّلتن، مفاعلاتن مفاعلاتن مفاعلاتن مفاعلاتن این وزنها که در غزلهای فارسی و عربی شاعر هر دو نمود بارزی دارد در بروز عواطف هنرمند و انتقال آن به مخاطب بسیار موفق بوده است. علاوه بر وزن، قافیه‌هایی با مصوت‌های بلند مانند ما و دماء شمال و وصال حبیب و نصیب عیون و بطون پارسایی و جدایی صحرا و دنیا و ... نیز بر موسیقی شعر و تداعی معانی آن افزوده است. بخش سوم کتاب زیب نامه «دیوان البحور» نام دارد که در آن ۱۵۳ غزل در بحر مختلف با ذکر وزن سروده است برخی اسامی بحر مورد استفاده با بحوری که در عروض فارسی نامگذاری شده متفاوت است مانند:

بحر قلیب: فاعلاتن فاعلاتن مفاعیلن

بحر جمد: مفعولات مستفعّلن مفعولات

بحر صغیر: مستفعّلن فاعلاتن مستعلن

بحر اصم: فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن

بحر صریم: مفاعیلن فاعلاتن فاعلاتن

بحر کبیر: مفعولان مفعولات مستفعّلن

بحر مذیل: مستفعّلن مستفعّلن فاعلاتن

چند بحر نیز از ابداعات خود اوست. مانند بحر عجیب: فعلن فاع مفعول فاعلاتن

رویت	رَشک	خورشید	آسمانی	لعلت	رَشک	یاقوت	و	لعل	کانی
موبت	مشک	تاتار	و	بوت	عنبر	دندان	تو	رَشک	درِ کیانی
با	رخسار	از	بهر	چشم	نوری	با	گفتار	از	بهر جسم جانی
با	رفتار	حیرت	دهی	به	آهو	با	آواز	داری	نه مثل وثنائی

(همان، ص ۱۲۲)

بحر بدیع: مفعولات مفعولات مفعولات مفعولات

دارم	دلبر	صیاد	بلبل	گیر	گلرخسار	سیم	اندام	عذرا	فام	لیلی	گام	خوش	رفتار
رویش	قبله،	عشاق	کوبش	خلد	در آفاق	بویش	عطر	از او	جبین	مویش	مشک	از تاتار	

(همان، ص ۱۲۲)

بحر لذیذ: فعلن مفعولات فعلن فعلن فاعلن

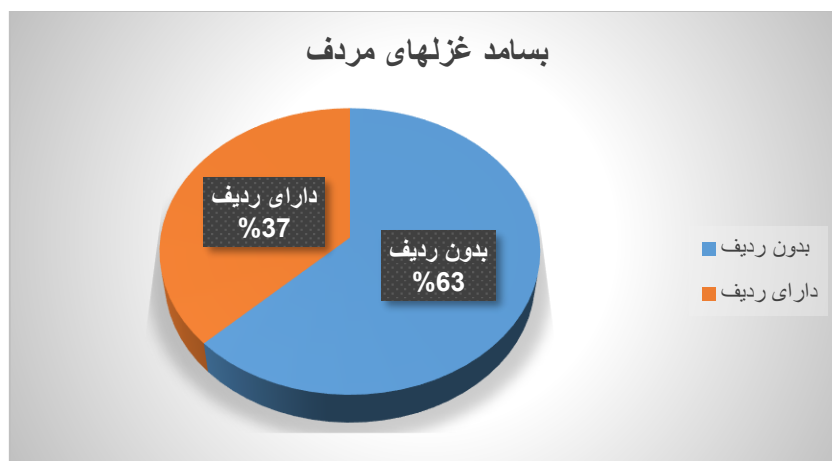
رویت ماه تمام بویت عنبر یاسمن مویت رشک مشک کویت جنت یا چمن
زیبا بر جسم لطیف دیبای خطا شاها شرمنده ز چشمت آهوی ختن
(همان، ص ۱۲۳)

سایر بحور اشعار وی نیز عبارتند از: بحر جدید مخبون، بحر قریب اخرب، بحر جدید سالم، بحر مشاکل مکفوف مقصور، خفیف مسسد مخبون محذوف؛ خفیف مسدس مخبون محجوف؛ خفیف مسدس مخبون مشعث، سریع مطوی اسلم، سریع مطوی مجدوع، بحر منسرح، بحر مجتث، مقتضب، مضارع، بسیط، مدید، طویل، کامل و سایر بحور رایج فارسی مانند رمل و رجز و هزج

این تنوع زونی نشان دهنده تمایل وی به نوآوری در حوزه موسیقی است به طوری که خود را به زحمت انداخته و تلاش بسیاری در ساختن وزنهای و بحور دیگر کرده است و از این طریق سبک شعر متفاوتی با دیگران ایجاد کرده است.

موسیقی کناری

ردیف در شعر زیب مگسی بسامد بالایی دارد به طوری که از میان ۲۷۴ غزل بررسی شده ۱۰۲ غزل دارای ردیف است که حدود ۳۷ درصد از غزلها را در بر میگیرد و به این وسیله موسیقی کناری غزلها را غنا بخشیده است. بسامد ردیف در سبک خراسانی کمتر است از این رو سبک وی از این نظر به دوره عراقی شبیه تر است.



ردیفهای وی بیشتر از نوع فعلی هستند و به همین دلیل از جهت نحوی، جملات زیاد جابجایی ندارند. به نمونه‌هایی از اشعار ردیف دار اشاره میشود:

ردیف فعل:

ای از بهشت بوی تو خجلت بهار را پیچ از کمند موی تو مشک تترار را
(زیب مگسی، ۱۳۹۵، ص ۱)

نمودار ۲. بسامد ردیف

در غزلی که مضمون آن عدم غفلت است ردیف مخسب را که فعلی امری است تکرار میکند:

پهلوی تهی کن از غفلت در سرا مخسپ بیدار باش ای دل بهر خدا مخسپ
(زیب مگسی، ۱۹۹۵، ص ۲)

ردیف اسم

ذوق لبست مراست بمثال شکر لذیذ گفتار شکرین تو از نیشکر لذیذ
ذات البروج منزل مآشد بجذب عشق خوردیم تا پیاله بوقت سحر لذیذ
(همان، ص ۶)

صفت مبهم:

چارهء دردم وصل تو بود دیگر، هیچ شجرهء عمر مرا نیست بجز غم بر هیچ
چونکه یکتار ز گیسوی تو تاتارا زرد هست والله بر کاکل تو عنبر هیچ
(همان، ص ۴)

ترکیب ضمیر و فعل دعایی

دل آراما نگاهم سوی تو باد دماغم تازه تر از بوی تو باد
دلیری کوبدستان دست یابد شهید خنجر ابروی تو باد
(همان، ص ۵)

ترکیب فعل و ضمیر و حرف مفعول

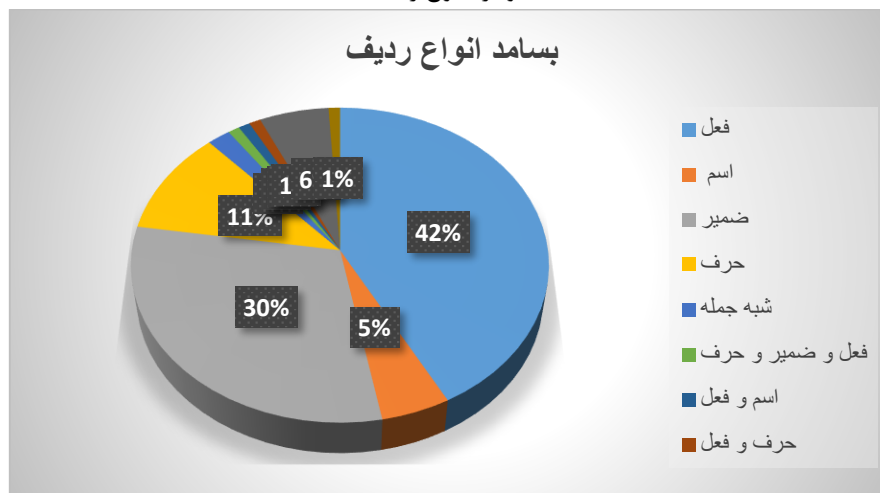
از عشق ملامت است مارا وز توبه ندامت است مارا
طلب لب وعارض ست در دل هوس قدوقامت است مارا
(همان، ص ۱۹)

جدول ۱. انواع ردیف

نوع ردیف	فعل	اسم	ضمیر	حرف	شبه جمله	فعل و ضمیر و حرف	اسم و فعل	حرف و فعل	ضمیر و حرف	اسم و حرف
تعداد	۴۳	۵	۳۱	۱۱	۲	۱	۱	۱	۶	۱
درصد										

نمودار ۲. بر اساس آمار، حدود ۴۲ درصد از ردیف غزلها از نوع فعل تنه‌است و ۳۰ درصد نیز بسامد ضمیر است. ردیفهای دیگر بسامد کمی دارند و قابل توجه نیستند. این آمار نشان دهنده این است که زیب مگسی در اشعار مردف، جملات خود را با فعل به پایان برده است و در برخی دیگر ضمیر خطایی یا اول شخص را استفاده کرده است. وی از ردیفهای طولانی استفاده نکرده و ردیف جمله در غزلهای او به کار نرفته است.

نمودار ۳. انواع ردیف



قافیه درونی

برخی غزلیات وی در میان مصراعها قافیه دارد که آهنگ بیشتری به شعر میدهد:

جامه شده است ز اشک تر دست به جام کیستی	کام من است تلخ تر در پی کام کیستی
بسته دام تو شدم عیش مدام کیستی	در چمننت چو پا زدم مرغ اسیر آمدم
(زیب مگسی، ۱۹۹۵، ص ۵۰)	
هستم چو بسمل مضطرب از زخم هجران شما	دل درد دارد روز و شب تن را ز تاب حزن تب،
(همان، ص ۴۸)	
سحرگری خردکشی طره زنی طراری	حور رخی پری وشی گلبدنی مه روی
(همان، ص ۵۱)	

سبک ادبی

تشبیه

«تشبیه مبتنی بر ادعای شباهت (آنالوژی) و استعاره مبتنی بر ادعای یکسانی است؛ اما به هر حال هر دو عنصر مشترک بین دو امر یا چیز را کشف و برجسته میکنند یعنی دو چیز را از طریق یک ایده مشترک به هم مربوط میسازند منتها ادعای شباهت در تشبیه صراحت دارد و در استعاره صریح نیست.» (شمیسا ۱۳۸۱، ص ۵۸)

تشبیه در شعر زیب مگسی بسامد بالایی دارد. این تشبیه‌ها گاهی تکراری و گاهی تازه هستند. بیشتر تشبیهات وی از نوع بلیغ اضافی است که از ویژگیهای سبک عراقی است. در غزل زیر چند تشبیه بلیغ به کار رفته است.

تشبیه اسنادی مژگان به سنان، ابرو به کمان، اضافه تشبیهی: زوپین نگاه، درع، ورع، ناوک غم:

سیه مژگانش خنجر یا سنان است	دو ابرو تیغ هندی یا کمان است
ز ژوپین نگاهش گشته گردد	خود ار بهرام چوپین پهلوان است
هدف شد ناوک غم را دل من	از آن روزی که عشق او بجان است

بریده تیغ فن درع ورع را غمم پیداست گر زخمم نهان است
(زیب مگسی، ۱۹۹۵، ص ۱۹۵)

تشبیه بوی به بهشت و موی به کمند:

ای از بهشت بوی تو خجلت بهار را پیچ از کمند موی تو مشک تثار را
(همان، ص ۱)

تشبیه عشق به بحر:

بر ساحل آرام کی برایم عشق تو شده بحر بی‌کرانه
(همان، ص ۱۱۴)

و همچنین است تشبیهات: آفتاب حسن، صیاد چشم، بهار حسن، بهار چشم، (همان، ص ۱) شعله شوق، معجون لب، (همان، ص ۶۱) جام محبت (همان، ص ۶۳) خرمن عقل (همان، ص ۶۹) آهوی چشم (همان، ص ۱۰) تشبیهات وی بیشتر حسی است و بسامد تشبیهات محسوس به محسوس بیشتر است. در مقایسه تشبیهات حدود ۶۵ درصد از آنها تشبیه محسوس به محسوس است نمونه‌های تشبیه محسوس به محسوس:

بهار چشم تو بخشد دماغ را افیون کند اسیر تو کم خواب بر سر کمخواب
(همان، ص ۱)

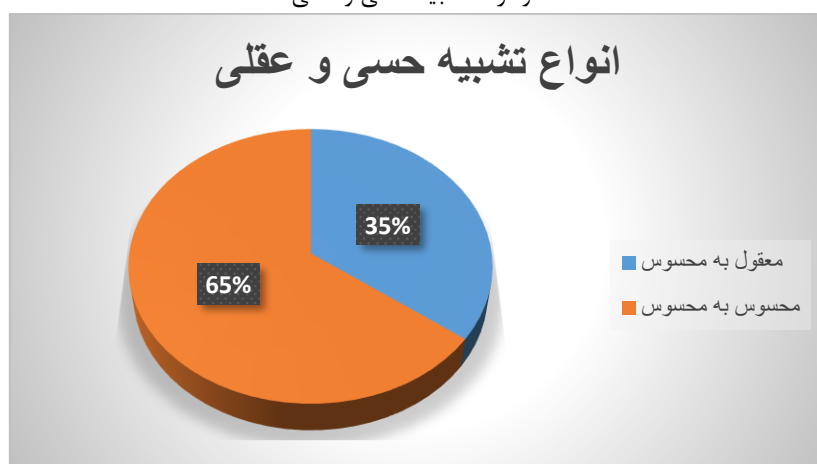
شکار دام زلفش غیر عنقای دلم نبود پی هر صید کم گردد کمند فکر فتانش
(همان، ص ۸)

همچنین: طاق ابرو (همان، ص ۱۱۶) تیغ ابرو (همان، ص ۱۱۸) دام گیسو، (ص ۱۲۴) شمشیر ابرو (ص ۱۴۰) نمونه معقول به محسوس:

از آفتاب حسن تو چون هست منفعل رو در محاق هست مه جلوه‌دار را
(همان، ص ۱)

همچنین: بحر عشق (ص ۷) شیشه ناموس (ص ۱۳) زال دنیا (ص ۴۴) مرغ روح (ص ۱۱۸) زال دنیا، آب عشق (ص ۲۳۶) آب عشق

نمودار ۳. تشبیه حسی و عقلی



۲-۳-۲. استعاره

«استعاره یک شکل خیالی است به عبارت دیگر استعاره پیش چشم آوردن یک چیز به صورت یک چیز دیگر است با اسناد قرار دادن یکی از لوازم این چیز اخیر به آن دیگری. (ثروتیان ۱۳۸۷: ۸۷) شمیسا درباره تفاوت تشبیه و استعاره مینویسد:

شفیعی کدکنی نظر ناقدان اروپایی را درباره تشخیص این گونه بیان میکند: «تشخیص بخشیدن خصایص انسانی است به چیزی که انسان نیست» و یا «بخشیدن صفات انسان و به ویژه احساس انسانی به چیزهای انتزاعی، اصطلاحات عام و موضوعات غیر انسان یا چیزهای زنده دیگر و از آن در ادبیات اروپایی با عنوان vividness personification تعبیر میکنند. vividness به معنی مطلق زندگی بخشیدن به اشیا است با آنچه ما به عنوان تشخیص از آن سخن میگوییم تناسب بیشتری دارد.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۰)

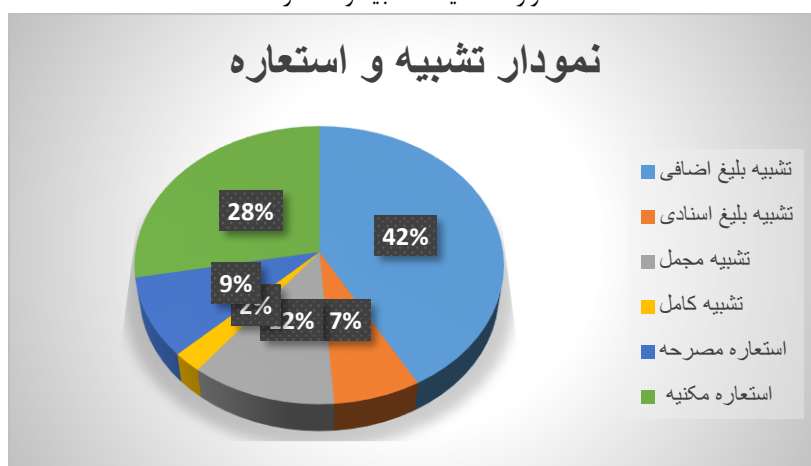
استعاره در برابر تشبیه چندان بسامدی ندارد. استعاره‌های وی بیشتر از نوع مکنیه است و این ویژگی‌های هم موید نزدیکی سبک وی به دوره عراقی است.

خبر شنو که سحر عندلیب گفت به گل	مناز چون تو بسی لب گشوده اند به شاخ
(همان، ص ۵)	
شعور و عقل را لنگ است پا در منزل عشقش	یقین و صدق باید تا زنی دستی به دامانش
(همان، ص ۸)	
فلک بدخواه و بد کین است با تو	نظر بر همت دلخواه باید
(همان، ص ۴۴)	

نمونه استعاره مصرحه

تا دو بالا غم نگردد در سینه ام	اینچنین شمشاد خود را بالا مکن
(همان، ص ۱۱۶)	
بتی چو تو به چنین حسن و صورت و هم ناز	کسی ندید به بیداری و به عالم خواب
(همان، ص ۱)	

نمونه ۴. مقایسه تشبیه و استعاره



تضاد

تضاد و ناسازه‌های شعر زیب متنوع دو بعدی و غافل‌گیرکننده است و احساس شاعر را به خوبی در این تصویرها تجسم بخشیده است:

پیشانییم از جمعیت زلف	ز آب روی او دارم به دل نار (همان، ص ۱۴۲)
چو بنشینم بخیزد از من آن دوست	تو گریم خنده آرد بر من آن یار (زیب، ۱۹۹۵، ص ۱۴۲)
شوم گاهی به گریه زار و گاهی سوزم از فرقت	به رنگ برق آب و آتشم از روی تابانش (همان، ص ۲۵۸)
زچین ابروت گریم زشگر خنده ات خندم	بخیزد غم چوبنشین، نشیند غم چو برخیزی (همان، ص ۱۸۵)
دولت فقر است شاهی ابد زان بهر او	این ادهم میگذارد زیبا تخت و تاج را (همان، ص ۹۵)
غرق آب گریه گشتم سوز میبالد هنوز	آتش خود روشن اندر موج توفان یافتم (همان، ص ۱۵۴)

تجاهل العارف

تجاهل العارف در دیوان شاعر، مبهم دو بعدی و جالب توجه است و با زیر ساخت تشبیهی که در آنها وجود دارد تابلوهای بدیعی ساخته است:

که جلای جسم تو دیدم به حیرتم از وی	سیم خوانم آیینه گویمش یا عاج (همان، ص ۲۵۳)
سنگ باشد سخت تر یا قلب ظالم یا دلت	نرم تر جسم تو یا گل یا دل نالان من (زیب مگسی، ۱۳۹۲، ص ۱۷۲)
فرحت افزاتر ظفر یا وعده دیدار تو	هجر هالک تر بود یا زخم افعی یا و با (همان، ص ۱۷۶)

تلمیحات

همانند سایر شاعران وی نیز نامهای تاریخی و مذهبی را در شعر خود آورده و دستمایه ای کرده است برای بیان مطالب ذهنی خود. این تلمیحات شامل نام پیامبران، پهلوانان و شاهان و قصه‌های معروف است.

تلمیح به داستان خسرو و شیرین

عشق سلطانست کو عاجز کند فغفور را	افگند پیش آياز آن سرور مشهور را
بهر شیرین عرض خسرو میکند شاپور را	ساقیا سرشار ساز از باده این مخمور را (همان، ۱۹۹۶، ص ۸)

تلمیح به یوسف

صحن زندان باغ گردد برای تو یوسفا از قید صورت اگر رستی
بگذر از خواهش که یابی در جنت زیب زین دیوار بالک اگر جستی
(همان، ص ۱۲۰)

دل از جوش محبت دید وقت بارها هم تب فتاده یوسف عقل سلیمم در چه غبغب
(همان، ص ۱۳)

نمونه‌های دیگر: شیرین، پرویز، سکندر، حجاج، چنگیز، (زیب مگسی، ۱۹۹۵، ص ۷) عیسی (همان، ص ۱۴) رستم، خضر، اسکندر، مأمون (همان، ص ۴۸)

تفریق

زیب مگسی در کاربرد صنایع بسیار تکلف به خرج داده و همه غزل‌های شبه نحوی دارای التزام و تکلف است از جمله این آرایه‌ها میتوان به صنعت تفریق و تقسیم اشاره کرد. در صنعت تفریق دو چیز را با هم می‌آورد و در مصراع بعد یکی از آنها را جدا میکند:

آن دهد خار واین سرور و خمار حاصل گل کجا و حاصل یار
این بشب روشن ست آن همه گاه روی مشعل کجا و روی نگار
این خرامد بناز و آن پابند قدجانان کجا و قد چنار
(زیب مگسی، ۱۳۹۵، ص ۱۷۷)

در این صنعت دو چیز را در کنار هم ولی با تفاوت‌هایی بیان میکند که از همان ابتدا از هم جدا هستند و تقسیم بندی شده اند:

تقسیم

بروز اندر ترا گیسو بشب آن چهرهء رعنا
لقای تست در مجمع کلام تست در محفل
پیامت از لب قاصد خط دست تو بر کاغذ
وداعت از بر عاشق قدومت بر سر شائق
مرین دیجور را ثانی مران خورشید را همتا
مرین مجروح را مرهم مران مغموم را صها
یکی دل را دواى غم دگر تن را دم عیسی
مرین هنگامه محشر مر آن آسائش دنیا
(زیب مگسی، ۱۹۹۵، ص ۱۷۷)

صنعت التزام

این شاعر طبع خود را به شکل‌های مختلف آزموده و در کتاب زیب نامه بسیاری از غزل‌هایش دارای التزام است مانند التزام به حذف ذیکی از حروف الفبا یا حذف کلمات نقطه دار یا بی نقطه، حذف کلمات عربی و غیره. در این جا به مواردی از این التزامات اشاره میشود.

غزل در صنعت منقوط

شاعر التزام دارد که تنها از کلمات نقطه دار استفاده کند و هیچ یک از حروف بی نقطه را در غزل نیاورد. نتیجه این کار تعقید لفظی است زیرا به دلیل محدودیت انتخاب کلمات، شاعر نتوانسته سلیس و روان بسراید:

غیبت	زینت	جنت	شفیتنت	شفق	ذقن	فضت
بت	ز	بخت	بنشین	فیض	بخش	بی
تیغ	غش	تن	تخت	بخت	بزینت	شفقت
غیث	بزیب	فیض	ز	شفیقی	غنی	بی
(زیب مگسی، ص ۱۸۸)						

قصیده خالی از الفاظ عربی در منقبت مولا علی کرم الله وجهه

در این قصیده نیز کلمات عربی را استفاده نکرده است و در نتیجه شعری کاملاً فارسی ولی روان و سلیس سروده است اما به ویژگیهای مهم معروف امام علی اشاره ای نکرده و اگر عنوان شعر ذکر نشود نمیتوان ارتباط آن را با شخصی خاص پیدا کرد.:

تو	جانانی	و	جان	را	پادشائی	دلرامی	و	دلکش	دلربائی
شها	شیر	سپهدار	بر	بلندی	ست	ز	تو	لرزد	که
شیر خدائی									
(زیب مگسی، ص ۱۸۰)									

آرایه‌های لفظی اشعار زیب مگسی

تکرار کلمه

تکرار از آرایه‌هایی است که موجب موسیقایی شدن بیت میشود. در واقع نظام موسیقی بر تکرار و تنوع استوار است و این تکرار زمانی که در حوزه کلمات و حروف قرار بگیرد موسیقی درونی را شکل میدهد. «یعنی مجموعه هماهنگیهایی که از رهگذر وحدت یا تشابه یا تضاد صامتها و مصوتها در کلمات یک شعر پدید می‌آید جلوه‌های این نوع موسیقی است و اگر بخواهیم از انواع شناخته شده آن نام ببریم انواع جناسها را باید یادآور شویم.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶، ص ۳۹۲)

تکرار به صورتهای تکرار کلمه، جمله، واج، هجا، در این اشعار به کار رفته است:

ذلت به جان کشیم ز جور و جفای دوست	چون آمدست جور چنین سیمبر لذیذ
(همان، ص ۶)	
اری چو چنگ چنگ نوازا بچنگ خویش	لحنت هزار دام نهد صد هزار را
آهو بر آهوست ز صیاد چشم تو	غم از غبار خط تو خط غبار را
ای دلبرا بدست نیفتد بصد تلاش	در هیچ شهریار چو تو شهریار را
از خاک راه خویش مکن منع زیب را	اکسیر هست خاک رخت خاکسار را
(زیب مگسی، ۱۳۹۵، ص ۱)	

تکرار هجا

در این بیت هجای «وان» تکرار شده است:

رستم به طاقت هم توان یوسف به حسن آن دلستان	هم نوجوان هم پهلوان هم جان و هم جان را خطر
(همان، ص ۶)	

هجای «ان»:

ای گوهر اندر آب گم از درد دندان شما	یاقوت را دل گشته دم از لعل خندان شما
(همان، ص ۴۸)	

جناس

زیب مگسی به آرایه های لفظی توجه بسیار دارد از این رو جناس هم در انواع مختلف در شعرش به کار رفته است:
جناس تام چنگ و هزار:

آری چو چنگ چنگ نوازا به چنگ خویش لحت هزار دام نهد صد هزار را
(زیب مگسی، ۱۹۹۵، ص ۱)

جناس تام آهو:

آهو بر آهو است ز صیاد چشم تو غم از غبار خط تو خط غبار را
(همان)

جناس تام لب:

جویم لب جوی نی حکومت خواهیم لب یار نی خزانه
(همان، ص ۱۱۴)

جناس زاید چشم و چشمه:

بچشم چشمه دنیاست چون سراب مرا ز خلق سیر نمودست انقلاب مرا
(زیب مگسی، ۱۳۹۵، ص ۲۰)

جناس قلب نزد و نذر:

نهد نزدش دهد نذرش کشد زانگشت خود پیشش کمان رستم ولایت جم نگین حاتم زهی حیدر

جناس زاید زار و آزار:

بده زور و سرور و کام و راحت زیب مادح را که هست او زار و پر آزار هم ناچار غم در سر
(زیب مگسی، ۱۳۹۶، ص ۱۹۵)

واج آرایبی

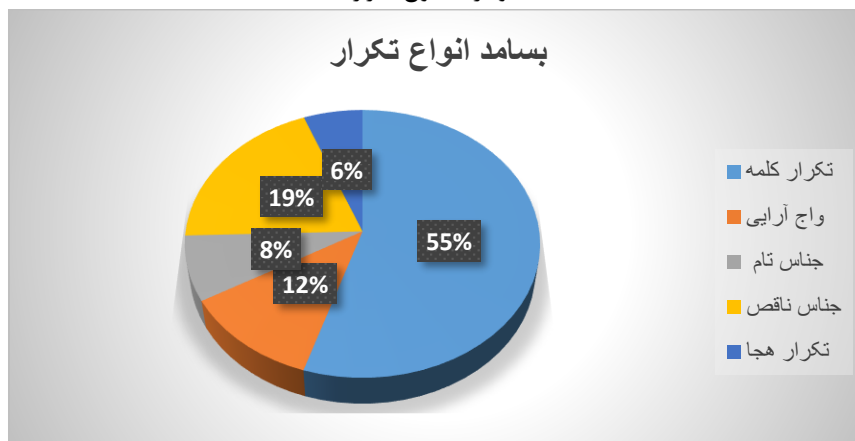
چند حرف مرتب تکرار می شوند :

غـبـقـبـت	زـیـب	و	زـیـنـت	جـنـت
بـت	ذی	فـن	شـبی	زـب
تـیـغ	غـیـظـت	غـش	تـن	بـیـژن
غـیـث	فـیـضی	بـزـیـب	فـیـض	بـه
بـخـش				

شـفـیـتـنـت	شـفـق	ذـقـن	فـضـت
بـنـشـیـن	فـیـض	بـخـش	بـی
تـخـت	بـخـتـت	بـزـیـنـت	شـفـقـت
ز	شـفـیـقی	غـنی	بـی
			ضـنـت

(همان، ص ۱۸۵)

نمودار ۵. انواع تکرار



سبک فکری

سیروس شمیسا در کتاب «کلیات سبک‌شناسی» می‌گوید: «سبک حاصل نگاه خاص هنرمند به جهان درون و بیرون است که لزوماً در شیوه خاص از بیان تجلی میکند به عبارت دیگر هر دید ویژه‌ای در زبان ویژه‌ای رخ مینماید بر طبق این تعریف هر گاه کسی به آفاق و انفس نگاه تازه‌ای داشته باشد به ناچار برای انتقال صور ذهنی خود ما فی الضمیر خاص خود باید از زبان جدیدی استفاده کند. اصطلاحات نحو و ترکیب نویسی به کار برد. به ناچار اسم و اصطلاح وضع خواهد کرد یا به لغات بار معنای تازه‌ای میدهد، در روابط کلامی تصرف میکند یا به کمک مجاز و تشبیه و استعاره و سمبل خواهد کوشید یا به نحوی دید نوین خود را برای دیگران مجسم کند.» (شمیسا، ۱۳۸۴، ص ۱۸)

با این توصیف، هر شاعر در میان جملات و واژگانی که به کار میبرد افکار خود را بیان میکند خواه مستقیم و خواه غیر مستقیم.

عرفان

ادبیات عرفانی مولود تجارب عمیق روحانی انسان است. به گفته یکی از اساتید ادب فارسی «ادبیات عرفانی انسانی ترین چیزی است که به دنیا هدیه شده است.» (زرین کوب، ۱۳۵۰)
در شعر زیب مگسی عناصر عرفانی و اصطلاحات خاص آن به کار رفته و مایه‌هایی از عرفان در آن دیدیده میشود. در ابیات زیر کلمه عزلت که از واژه‌های کلیدی عرفان است تکرار میشود:

سرور خاص خواهی در خمار از جام عزلت شو	بعزلت سرکشی کم کن همیشه رام عزلت شو
بشوق عمر باقی کشته صمصام عزلت شو	اگر شهرت طلبداری اسیر دام عزلت شو

(زیب مگسی، ۱۳۹۶، ص ۳۸)

عشق

«نظریه عشق عرفانی این است که سلسله جنیان عشق حسن الهی است معشوق عرفانی شکار نمیشود. کس ندانست که منزلگه معشوق کجاست. یار کامل و کمال مطلق است هر قصوری که هست از ماست. معشوق عرفانی صاحب اختیار مطلق است.» (خرم‌شاهی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۱۷۳)

عشق سلطان است کو عاجز کند فغفور را افکند پیش ایاز آن سرور مشهور را
(زیب مگسی، ۱۹۹۶، ص ۸)

تاثیر عشق برای انسان در نگاه او مانند لزوم آب برای زنده ماندن ماهی است:

چون غم عشق تو جانان غلبه بر ما آورد ماهی بی آبسان تن را طپشها آورد
(همان، ص ۱۱)

فنا و بقا از اصطلاحات عرفانی است که زیب به آن توجه نشان داده و در اشعار خود دنیا را به صحرایی فانی تشبیه نموده که در برابر ملک جاودانی قرار دارد. رسیدن به این مقام را هم در گرو رضا و خاموشی دانسته است:

از این صحرای فانی دل بملک جاودان در کش رضا باغیست دلکش رخت در این بوستان در کش
(زیب مگسی، ۱۹۹۶، ص ۲۰۷)

در عین حال عشق و محبت هوش را از انسان میگیرد و او را بنده خود میسازد و آتش به پا میکند و قاتل است:
محبت هوش کم سازد محبت فتنه انگیزد محبت آتش افروزد محبت خونها ریزد
فشاند برقسان شعله کسی کش عشق آویزد گر از دل هر نفس این آه عالم سوز برخیزد
(همان، ص ۱۴)

او گاهی عشق را به شراب تشبیه میکند که موجب سرخوشی است و گاهی آن را آتشی سوزنده میداند. این تشبیهات در سراسر دوران سرایش شعر فارسی سابقه دارد و تاثیر پذیری این شاعر را از شعرای پیش از خود نشان میدهد:

از شراب عشق تو ای ساقیم مخمور و مست در خیالت پخته ام دارم در این ره سر به دست
(همان، ص ۲۱)
درون نار محبت چو شمع سوزانم چو برق مضطربم رعدسان خروشانم
(همان، ص ۲۰)

دنیا ستیزی و ناپایداری دنیا

چیست دنیا راحت ظل سحاب زندگی برف ست و گیتی آفتاب
دور دارا و سکندر درگذشت کرد حالت نوبت افراسیاب
(زیب مگسی، ۱۳۹۵، ص ۲۶)
می ندارد وصل گل بوی وفا بیدار باش گر بخواهی گنج یابی جای در ویرانه کن
(همان، ص ۱۲۹)

قلندری

شراب ناب نوشیدن عجائب لذتی دارد نوای ساز بشنیدن همایون فرحتی دارد
اگر صوفی رسد در محفل مارغتی دارد بیزم می پرستان محتسب خوش عزتی دارد
که چون آید بمحفل شیشه خالی میکند جارا

بیار می که چو جامست روزگار روان بریز باده بساغر که شد بهار روان
چو سیل ست سرشکم به کوهسار روان ز دیده‌ام شده صد چشمه در کنار روان
که خود شنا نکند در میان آن ملاح

(زیب مگسی، ۱۹۹۶، ص ۱۰۶)

گل از بهار برافروخت روی همچو چراغ بیا که باده بنوشیم بر ترانه چنگ
(همان، ص ۲۶۴)

حکمت

گاه نیز شاعر به حکمت‌گویی پرداخته و به مواردی حکمی اشاره دارد:
غنیمت شمردن نام نیک:

هر حال این زمانه چو رفتن ضروری است نیکی بکن که نام تو ماند به دیرگاه

دفع دشمن به دشمن و ضعیف پروری

دشمن آویزان به دشمن تا رهی از شرشان جنگ دو بازست با هم خیریت دراج را
(زیب مگسی، ۱۹۹۵، ص ۹۵)

ناتوانان را بزرگان از مروت پرورند خس در آغوش است بنگر بحر پر امواج را
(همان، ص ۹۵)

زیب مباحث عقلی را مذمت میکند و معتقد است که عقل با استدلال و بحث کامل نمیشود راه کمال عقل فرمان
بردن از شرع است

عقل را قل باید و امر خدای تا شود هم رهرو و هم رهنمای
عین عقل خویش را کن محو امر تا نگردد عین عقلت محو خمر
(همان، ص ۸۴)

مضامین اخلاقی و تربیتی

زیب در بخش زیادی از شعرش بیشتر به اخلاق و تربیت توجه دارد و میکوشد مانند یک مربی خواننده را از خود
بیرون آورده و از او چیز تازه‌ای بسازد و برای حصول به این مقصود از روشهای متعددی بهره میجوید. این روشها
گاه به صورت خود، تربیتی گاه دگر تربیتی گاه، عملی گاه، سلیبی گاه، ایجابی گاه عام و گاه است. وی زمانی را از
ایجاد محیط تربیتی مساعد سخن میراند و زمانی تکیه بر عقل و گاهی تکیه بر دل مینماید در جایی به روش
عبرت آموزی پرداخته و گاهی از روش ابتلا و امتحان مدد میجوید.

الف. دوری از مادیات

درون سینه بیابی سرور کامل را اگر ز قید طبیعت رها کنی دل را
(همان، ص ۹۹)

- رضا دادن به سرنوشت

راضیم بر هر چه از کلک قضا سر بزند غرق جمعیت بود هر موی بر اندام من
(همان، ص ۱۷۱)

ب. راستی

راستی و درستی در عالم عشق و عرفان از اهمیت زیادی برخوردار است. زیب میگوید برای داشتن بخت بلند باید راستی پیشه کنی تا همه چیز از تو تبعیت کند. او به قدرت کائنات باور دارد و از این اعمال انسان را تاثیر گذار میداند از سویی افراد کژ و ناراست در میان مردم جایی ندارند:

با کجان هرگز نسازد همنشینی هوشمند راستان زامیزش کجسیرتان کم میشوند
کفش گردد از اختلاط پای ما هموار کج
نفس پیران نوجوان گردد بعهد بخت و جاه لذت تن لازم افتادست با هر پادشاه
در غنا مشکل بود پرهیز کردن از گناه فقر سازد نفس را عاجز که چون شد تنگ راه
راست سازد خویش را هر چند باشد مارکج
دور دیگر شد که در موج ست از یاران کجی حب جاه آموخته با خیل دینداران کجی
جلوه‌ها دارد کنون از راست گفتاران کجی میتراود از سراپانی دل آزاران کجی
باشد از مرغ شکاری ناخن و منقار کج
بحث را بگذار زیبا باش صرف کار خویش در تماشا محو گردان دیده بیدار خویش
راستی را پیشه کن با یار و با اغیار خویش راست شو صائب نخواهی کج اگر آثار خویش
سایه افتد بر زمین کج چون بود دیوار کج
(زیب مگسی، ۱۹۹۶م، ص ۱۰۰)

ج. صلح و دوستی

با همه کس صلح خو کن باش بار کائنات مثل گل پرخنده میزی در بهار کائنات
(زیب مگسی، ۱۳۹۵، ص ۱۰۰)
در جای دیگری خطاب به خود میگوید با همه در صلح و مهربانی باش حتی برای نامسلمانان:
ای زیب به سوی مغ و مسلم با دیده صلح و صفا بنگر

د. دوری از حسد

رهان دلت ز حسد و حرص شو باندک قانع مدام نوش میو کن کباب مرغ تناول
(زیب مگسی، ۱۹۹۵، ص ۱۰۱)
ه. حلم و بردباری
بیوش زره حلم از برای دفع خصومت که بر مخالف آرد شکست فاش تحمل
(همان)

و. نیکوکاری

به نیکی بکوش زیب که این جا فقط ماند نام نیک ز کسری
(همان، ص ۹۲)

منقبت

قصیده مصنوع در منقبت امیرالمومنین مولا علی کرم الله وجهه

این شعر عاشقانه است و گویا رد توصیف معشوقی سروده شده و از مولفه‌های مدح یا منقبت خالی است و تنها عنوان آن نشان دهنده مضمون است و گرنه فرقی با شعر عاشقانه و توصیف معشوق زمینی ندارد:

تونی محبوب هم مرغوب هم مطلوب دلپور	تونی جانان و جان جان و یوسف شان در
لبت یاقوت با شهتوت تن ماحوت بل اطلس	رخت لاله خطت هاله منم واله توئی دلبر
بدین رخسار و هم گفتار هم رفتار بستانی	ز برق آرام از جم جام وز کی نام هم افسر
قد تو همچو سرو آزاد هم شمشاد شاد از وی	ترا گیسو برنگ و بویه از مینو هم از عنبر

(زیب مگسی، ۱۳۹۵، ص ۱۹۳)

نوآوریها و تقلیدها

نوآوری

مهمترین نوآوریهای شعر زیب مگسی را در حوزه وزن عروضی و بحور میتوان دید که شامل بحروری است که خود ساخته است که پیش از این بیان شد. وی در کتاب زیب نامه نوآوریهای بسیاری دارد که شامل صنعتهای مختلف است. در یکی از غزلهای او سوره والتین تضمین شده است. این سوره در همه ابیات به نحوی تقسیم شده و به طور کامل درج گشته است:

لبت به یاد رسد وقت خواندن والتین	زهی که سیب زخندان از شکر شیرین
چرا نشازم داخل وظیفه والزیتون	چو زیت مینگرم بر دو گیسوی مشکین

(زیب مگسی، ۱۹۹۵، ص ۱۶۶)

برخی صنایع که وی در شعر خود به کار گرفته کمتر در اشعار گذشتگان دیده میشود مانند صنعت رجوع:

گلی مگر نه گلی زانکه اوست جنس گیاه	شهی مگر نه شهی کامدی تو شاهنشاه
چو ماه و مهر بگفتم تو را غلط گفتم	کسوف دارد مهر و خسوف دارد ماه

(همان، ص ۱۷۴)

همچنین در کاربرد تلمیح نوآوری کرده و غزلی مبتنی بر تلمیح سروده که تمامی ابیات آن دارای تلمیحات تاریخی است و این اسامی در آن آمده است: سلمان، خضرف عمران، پور دستان، پیر خرقان، غزنوی، ماه کنعان، سکندر، شیرین، ابن ادهم (همان، ص ۱۷۶) همچنین میتوان به غزلهای بدون نقطه، دارای کلمات یک نقطه، دو نقطه و سه نقطه، نقطه در بالا، تمام حروف نقطه دار، غزل خالی از الفاظ عربی، صنعت تلازم اسلحه، تلازم جواهر اشاره نمود که همگی از نوآوریهای ساختاری این شاعر به شمار میرود.

تقلید

زیب مگسی از شاعران پیش از خود تاثیر پذیرفته است و این تاثیر را بیشتر در کتاب خزینه اشعار میتوان دید؛ زیرا در این کتاب با تضمین اشعار شعرای پیش از خود وزن و قافیه و محتوای اشعار را تقلید نموده است. مضامین این اشعار اغلب عرفانی است و به سبک صاحب غزل سروده شده است. در کتاب زیب نامه نیز محتوای اشعار وی مضامین عرفانی و عاشقانه ای است که پیش از آن در اشعار پیشینیان آمده است. از عناصر محتوایی که مورد تقلید اغلب شعراست، توصیف عشق، وصال، هجران و ویژگی های ظاهری و اخلاقی معشوق است. در این نوع اشعار معشوق دارای معیارهای زیبایی شناسی قدماست و از نظر اخلاقی بیوفا و جفاکار است. زیب مگسی در اشعار خود چنین مضامینی را به فراوانی به کار برده است:

بکند قامت محبوب خجل طوبی را	آب خجلت برد از روش گل رعنا را
-----------------------------	-------------------------------

(زیب مگسی، ۱۹۹۶، ص ۶)

دلبری دارم کزو دیجور هم روشن شود از قدومش مسکن ویرانه هم گلشن شود
(همان، ص ۵۱)

سرد مهر، طبع گرم، قلب سخت، تنش نرم اهل حسن چو افواج آن نگار علمدار
(همان، ۱۹۹۵ م، ص ۱۱۸)

در بسیاری از غزلیات وی عناصر تقلیدی گذشتگان را می توان دید مانند فغان زدن چون چنگ و اشک ریختن چون شمع (همان، ص ۱۳۴) فریب عروس دنیا (همان، ص ۱۴۲) لاله داغدار (همان، ص ۱۵۰) بط شراب (همان)

نتیجه گیری

در بررسی اشعار گل محمد خان زیب مگسی به این نکته میرسیم که وی بیش از معنا در قید لفظ بوده و در همه اشعار خود به نحوی متکلفانه صنایع و آرایه های ادبی را به کار برده است. در کتاب خزینه الاشعار که تماما تضمین غزل های شاعران پیشین است سبک وی با شاعران صاحب سبک عراقی و خراسانی آمیخته است اما در زیب نامه میتوان سبک شخصی او را مشاهده نمود. سبک زبانی وی غیر از گویش خاصی که در برخی واژگان به چشم میخورد ویژگی خاصی ندارد و ساده و روان و میانه سبک عراقی و خراسانی است. بسامد لغات فارسی در شعر او بیشتر است و لغات عربی مهجور به کار نبرده است. از نظر ادبی بیشتر تشبیه و استعاره به کار برده و تشبیهات وی از نوع محسوس است. همچنین تشبیه بلیغ اضافی بیش از سایر انواع تشبیه بسامد دارد که سبک وی را به دوره عراقی متمایل میکند. استعاره های وی نیز بیشتر از نوع مکنیه است. آرایه های لفظی مانند انواع تکرار، جناس و واج آرایی در شعرش دیده میشود. بسامد تکرار کلمه بیشتر است و میتوان گفت بخشی از موسیقی شعر وی بر عهده آرایه تکرار است. سبک فکری او بیشتر عاشقانه است و متمایل به درونگرایی است. مضامین عرفانی، مذهبی، اخلاقی و اجتماعی درونمایه شعر وی را تشکیل میدهد. از نظر فکری وی تحت تاثیر مذهب و اعتقادات اسلامی است اما مضامین دینی و مذهبی در شعرش بسامد ندارد به طوری که در منقبتها و مدایح نیز عاشقانه سروده و به ویژگیهای معنوی بزرگان اشاره نکرده است. در نگاهی کلی سبک وی به شاعران دوره عراقی بیشتر نزدیک است؛ اما زبان وی از نظر سادگی به سبک خراسانی تمایل پیدا میکند.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان استخراج شده است. آقای دکتر عباس نیکبخت راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده اند. آقای مجیب الرحمن دهانی بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته اند. آقای دکتر عبدالله واثق عباسی به عنوان مشاور نیز در تجزیه و تحلیل داده ها و راهنماییهای تخصصی این پژوهش نقش داشته اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Batani, Mohammad Reza (1381) Description of the grammatical structure of the language, Tehran: Amirkabir. P:2-3.
- Bahar, Mohammad Taghi (1346) Stylistics, Tehran, Amir Kabir p:18
- Sarvati, Behrooz (2007) expression in Persian poetry, Tehran: Surah Mehr.p:87
- Khoramshahi, Bahaaddin (1385); "Hafeznameh", 11th edition/2nd edition, Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company ,p:1173
- Dehkhoda, Ali Akbar (1373) Dehkhoda dictionary, Tehran, University of Tehran
- Zarin Koob, Abdul Hossein (1350) Iran's Mystical Literature and Its Human Value, Tehran University Faculty of Literature and Humanities Journal, 18th year, Volume 3, pp. 109-151
- Zeib Magsi, Gul Mohammad (1996), Khazineh al-Ashar, with an introduction by Professor Sharaft Abbas, Baluchistan Persian Society.
- (1995 AD) Zeib Nameh, introduction by Professor Sharaf Abbas , Balochistan: Balochistan Persian Society.
- Shafi'i Kodkani, Mohammad Reza (2010) Imagination in Persian poetry, Tehran, Agha,p:150
- Shafiei Kodkani, Mohammad Reza (1386), music of poetry, Tehran: Aghaz. P: 392.
- Shamisa, Siros. (1384) Generalities of stylistics, Tehran: Mitra ,p. 18, 87-89, 94, 98, 269.
-(1381) Bayan, Tehran, Ferdous, Ch9 ,58.
- Abbas, Seyyed Sharaft, Baluchistan Min Farsi Poet of Five Years, Quetta, Kozhek Pilshers, 1999. P:14.
- Falki, Mahmoud (2010) A look at Shamlou's poetry, Tehran: Marwarid. P:66.
- Kausar, Inam-ul-Haq, Baluchistan Main Persian Poetry, Quetta, Balochi Academy, 1968. P:160.
- Mahjoub, Mohammad Jafar (Beita) Khorasani style in Persian poetry, Tehran: Ferdous and Jami. P:17.
- Musaheb, Gholamhossein, Persian Encyclopedia, second volume, second part, third edition, Tehran: Amirkabir
- Volek, Rene (1379) History of New Literary Criticism, Volume 2, translated by Arbab Shirvani, Tehran, Nilofar,p:273.

فهرست منابع فارسی

- باطنی، محمد رضا (۱۳۸۱) توصیف ساختمان دستوری زبان، تهران: امیرکبیر، صص ۳-۲.
- براهنی، رضا (۱۳۸۰) طلا در مس، تهران، ج ۱، صص ۴۵۶.
- بهار، محمد تقی (۱۳۴۶) سبک‌شناسی، تهران، امیرکبیر، صص ۱۸.
- ثروتیان، بهروز (۱۳۸۷) بیان در شعر فارسی، تهران: سوره مهر، صص ۸۷.

خرمشاهی، بهاءالدین (۱۳۸۵)؛ «حافظنامه»، چاپ یازدهم/ ویراست دوم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۱ ص ۱۱۷۳.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳) لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ج ۸.
زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۵۰) ادبیات عرفانی ایران و ارزش انسانی آن، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال هجدهم، ش ۳ صص ۱۰۹-۱۵۱.

زیب مگسی، گل محمد (۱۹۹۶م)، خزینه الاشعار، با مقدمه پروفسور شرافت عباس، انجمن فارسی بلوچستان.
..... (۱۹۹۵م) زیب نامه، مقدمه پروفسور شرافت عباس، بلوچستان: انجمن فارسی بلوچستان.

شفیعی کدکنی، محمد رضا (۱۳۸۰) صور خیال در شعر فارسی، تهران، آگاه، ص ۱۵۰.

شفیعی کدکنی، محمد رضا (۱۳۸۶)، موسیقی شعر، تهران: آگاه، ص ۳۹۲.

شمیسا، سیروس (۱۳۸۴) کلیات سبک شناسی، تهران: میترا، ص ۱۸ و ۸۷-۸۹، ۲۶۹، ۹۴، ۹۸.

..... (۱۳۸۱) بیان، تهران، فردوس، ج ۹، ص ۵۸.

عباس، سید شرافت، (۱۹۹۹م) بلوچستان مین فارسی شاعری کی پچاس سال، کویت، کوژک پبلشرز، ص ۱۴.

فلکی، محمود (۱۳۸۴) نگاهی به شعر شاملو، تهران: مروارید، ص ۶۶.

کوثر، انعام الحق، بلوچستان مین فارسی شاعری، کویت، آکادمی بلوچی، ۱۹۶۸م، ص ۱۶۰.

محبوب، محمد جعفر (بی تا) سبک خراسانی در شعر فارسی، تهران: فردوس و جامی، ص ۱۷.

مصاحب، غلامحسین، دایره المعارف فارسی، جلد دوم بخش دوم، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر، ج ۲.

ولک، رنه (۱۳۷۹) تاریخ نقد ادبی جدید، ج ۲، ترجمه ارباب شیروانی، تهران، نیلوفر، ص ۲۳۷.

معرفی نویسندگان

محبیب الرحمان دهانی: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

(Email: mojibdehani1372@gmail.com)

عباس نیکبخت: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

(نویسنده مسئول: (Email: nikbakht@lih.usb.ac.ir)

عبدالله واثق عباسی: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

(Email: vacegh40@yahoo.com)

COPYRIGHTS

© 2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Mojib al-Rahman Dehani: Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

(Email: mojibdehani1372@gmail.com)

Abbas Nikbakht: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

(Email: nikbakht@lih.usb.ac.ir: Responsible author)

Abdullah Vacegh Abbasi: Associate Professor of Persian Language and Literature Department, Faculty of Literature and Humanities, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

(Email: vacegh40@yahoo.com)